



سینما

«آبادان یازده ۶۰» به فجر رسید



تدوین فیلم سینمایی «آبادان یازده ۶۰» به کارگردانی مهرداد خوشبخت به پایان رسید. به گزارش «وطن امروز»، فیلم سینمایی «آبادان یازده ۶۰» به کارگردانی مهرداد خوشبخت و تهیه‌کنندگی حسن کلایمی پس از ۲ ماه تصویربرداری و پایان تدوین به دبیرخانه فجر تحویل داده شد. تدوین این فیلم به صورت همزمان با فیلمبرداری پیش رفت، اولین نمایش این فیلم سینمایی در سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر خواهد بود. علیرضا کمالی، حسن معجونی، شبنم گودرزی، حمیدرضا محمدی و نادر سلیمانی در این فیلم سینمایی ایفای نقش می‌کنند. تازه‌ترین محصول مرکز فیلم و سریال سازمان اوج اثری متفاوت در حوزه دفاع مقدس است که به شروع جنگ ایران و عراق خواهد پرداخت.

سینمای جهان

بربیننده‌های نتفلیکس معرفی شدند



با معرفی بربیننده‌ترین فیلم‌های سرویس نتفلیکس، فیلمی با بازی «آدام سندلر» در رأس این فهرست قرار گرفت. به گزارش «وطن امروز»، «معمای قتل» و فصل سوم «چیزهای عجیب» بربیننده‌ترین فیلم سینمایی و برنامه تلویزیونی نتفلیکس در آمریکا بودند. نتفلیکس اعلام کرد فیلم کمدی «معمای قتل» با بازی «جنیفر انیستون» و «آدام سندلر» بربیننده‌ترین فیلم این سرویس ارائه آنلاین فیلم در سال ۲۰۱۹ بوده است. در میان سریال‌ها نیز فصل سوم «چیزهای عجیب» این عنوان را از آن خود کرد. سریال «آرستکی با ماری کاندو» هم بربیننده‌ترین عنوان غیرداستانی این سال شد. از دیگر فیلم‌هایی که در این فهرست مشاهده می‌شوند، می‌توان به فیلم «۶۰ زیرزمینی» به کارگردانی «مایکل بی» با بازی رایان رینولدز و «مرد ایرلندی» مارتین اسکورسزینی اشاره کرد. «مرز سه‌گانه» با بازی بن افلک، «فوق‌العاده شرور» به طرز وحشتناکی شیطنی و «پست» با بازی زک افرون و «مردان بزرگراه» با بازی کوین کاستنر و وودی هارلسون از دیگر عناوین این فهرست هستند.

شعر

آغاز چهاردهمین جشنواره شعر فجر



چراغ چهاردهمین جشنواره بین‌المللی شعر فجر، روز پنجشنبه ۱۲ دی در اصفهان روشن خواهد شد. به گزارش «وطن امروز»، مهدی قزلی، دبیر اجرایی چهاردهمین جشنواره بین‌المللی شعر فجر گفت: این دوره از جشنواره عصر پنجشنبه ۱۲ دی در اصفهان آغاز می‌شود و امسال نیز همانند سال‌های گذشته، محفل افتتاحیه با حضور و شعرخوانی دبیران ادوار مختلف این رویداد ادبی برگزار خواهد شد. وی افزود: در این محفل علاوه بر سعید بیابانکی دبیر چهاردهمین جشنواره بین‌المللی شعر فجر، محمدعلی بهمنی، پرویز بیگی حبیب‌آبادی، عبدالجبار کاکایی، اسماعیل امینی، محمود اکرامی فر، محمدکاظم کاظمی، جواد محقق و بهمن ساسکی به عنوان دبیران دوره‌های گذشته حضور خواهند داشت. قزلی در ادامه گفت: همچنین در این محفل خسرو احتشامی، فضل‌الله شیرانی (سقا) و محمد مستقیمی (راهی) از شاعران پیشکسوت اصفهان شعرخوانی خواهند کرد. افتتاحیه چهاردهمین جشنواره شعر فجر روز پنجشنبه ۱۲ دی از ساعت ۱۷:۳۰ در تالار سوره حوزه هنری واقع در اصفهان، خیابان آماذگاه، روبروی هتل عباسی برگزار می‌شود.

ادبیات

«گرگ سالی» چاپ چهارمی شد



رمان «گرگ سالی» آخرین اثر منتشرشده مرحوم امیرحسین فردی برای چهارمین نوبت تجدید چاپ شد. به گزارش فارس، رمان «گرگ سالی» آخرین اثر منتشر شده توسط مرحوم امیرحسین فردی است که وی ادامه رمان موفق اسماعیل را در این رمان نوشته است. این تفاوت که داستان این رمان برخلاف اسماعیل، در دامنه‌های سیلان روی می‌دهد. در این رمان برای شخصیت انقلابی داستان که اسماعیل نام دارد، شرایطی به‌وجود می‌آید که ناگزیر می‌شود برای امنیت بیشتر پایتخت را ترک کند و به روستایی در دامنه سیلان، نزد مادر بزرگش برود که با مشکلاتی روبه‌رو می‌شود.

درگذشت «حسین سنجدیه»

شاعر اهل ارومیه

«حسین بقال سنجدیه» متخلص به «تجات»، شاعر برجسته ارومی پس از سپری کردن یک دوره بیماری شامگاه دوشنبه نهم دی‌ماه در ۷۰ سالگی دارفانی را وداع گفت. به گزارش فارس، اولین مجموعه شعر سنجدیه با عنوان «یازیق آنا، یازیق آنا»، مزین به تصاویر سیاق‌قلمی که کشیده بود در سال ۱۳۸۶، در ۱۳۳ صفحه منتشر شد که با استقبال خوبی هم روبه‌رو شد. «دومین مجموعه شعر او، با عنوان «شعریه و اسل قوناق گلیر»، در ۲۵۰ صفحه و با نقاشی‌ها و تصاویری که خودش کشیده بود، به چاپ رسید. چووشلار محله‌سی، موشتولوق، شعر تلخ زندگی من و گووهر چین از دیگر آثار این شاعر است.



روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی

صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: محمد آخوندی  
سردبیر: سعید عابدین نورالدینی

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر (عج) کوچه سعید، پلاک ۹  
روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۲۸۲ | تحریریه: ۶۶۴۱۳۲۸۲ | تماس: ۶۶۴۱۳۲۸۲  
info@vatanemروز | پست الکترونیک: ۱۰۰۰۲۲۲۱ | پیامک: ۶۱۰۸۶۱۶۲۳  
سازمان آگهی‌ها: ۶۱۰۸۶۱۶۲۳ | چاپ: موسسه چاپ‌مهر بزرگ برنا



نگاهی به شباهت‌ها و تفاوت‌های ۲ فیلم پر سر و صدای ۲۰۱۹

آنچه در جوکر نبود اما در انگل بود!

شده و این خود یک تحقیر مضاعف است. ما در انگل اختلاف طبقاتی را بخوبی درک می‌کنیم. بویژه در آن سکنس شاهکار باران که یکی از کارهای کم‌نظیر سینمای کره است. فیلم به ما می‌گوید برای بالاشهر و پایین‌شهر حتی پدیده‌های مثل باران می‌تواند معنای متفاوت داشته باشد. خانواده بالاشهری بهترین لحظاتشان را وقتی می‌گذرانند که باران باریده و فرزندشان در چادر آمریکایی که آب در آن نفوذ نمی‌کند می‌خواهد اما خانواده پایین‌شهری به خاطر بارش باران خانه‌شان را از دست داده‌اند. فاضلاب خانه‌شان را برداشته و همه چیز فاجعه‌بار می‌شود. آنقدر که تنها نقطه امن بالای توالی فرنگی است! در اینجا و آن نمای بالا زندگی‌های فراوانی را می‌بینیم که روی فاضلاب به حرکت افتاده‌اند.

اما انگل که نسبت جوکر یک برتری قابل توجه دارد، انگل خشونت را بیش‌نهاد نمی‌کند و عواقب خشونت را هشدار می‌دهد. پدر خانواده به خاطر خشونت اسیر همیشگی طبقه سرمایه‌دار شده و مجبور است از طریق خاموش - روشن کردن چراغ، پیام‌هایش را به پسرش مخاخره کند. از طرفی پسر در تخیلی که برای خریدن خانه‌ای بالای شهر دارد، کار کردن را پیشنهاد می‌دهد. اینکه باید کار کرد و ثروتمند شد. فارغ از اینکه این نگاه سرکاری نسبت به طبقه فروس می‌تواند امکان عملی شدن پیدا کند یا نه اما همین که تمایزی اینچنینی با دیگر آثار در نقد سرمایه‌داری دارد، قابل توجه است.

مشخصا محصول نظم سرمایه‌داری است. نشان دادن مکرر بالاشهر و پایین‌شهر اصلا نمادی برای نشان دادن این وضعیت است. در انگل نظم ناعادالته جنبه عینی پیدا می‌کند. خانواده تانگ، خانواده بی‌دست و پایی نیستند، گدایی نمی‌کنند؛ کار می‌کنند و با همان حداقل امکانات توانسته‌اند آموزش‌های خوبی کسب کنند. روابط عمومی خوبی دارند و حتی امکان آموزش دادن دارند. حال سوالی که به وجود می‌آید این است: یعنی در کاپیتالیسم با آن اهمیت، یک خانواده با این همه استعداد حتی از کار کردن هم محرومند؟! نه پول بادآورده و نه سرمایه‌ای که از راهی غیر از کار کردن به دست می‌آید، بلکه فقط کار می‌خواهند.

در جوکر خیلی واضح و مشخص فاز خشونت حق طرف مقابل نیست. شهردار بیگناه است. منشأ عصبانیت نادرست و ابهام‌آمیز بوده و جوکر انتقامی گرفته که می‌توان آن را تخطئه کرد. نگاه فرزند شهردار (که شمایل بتمن دارد) به جوکر پس از قتل پدرش جنبه‌ای معصومانه دارد. شهردار ممکن است در نظم ناعادالته جزئی از سیستم و مورد نقد باشد اما علت غایی نیست و برای همین به قتل رساندنش قابل توجیه نیست. برای همین ممکن است تا جایی با جوکر همزادپنداری شود اما در فضای غیرهیجانی به جوکر حق نمی‌دهیم. در انگل اما همه را درک می‌کنیم. خانواده تانگ تحقیر می‌شوند و کار پیدا نمی‌کنند. حتی کار کردن‌شان به بالای شهر منتقل

همه‌رضا کردلو: شاید حتی اگر «بوتگ جون هو» کارگردان «انگل» به صراحت نمی‌گفت فیلم من شبیه «جوکر» است، باز آنقدر مفهوم و نشانه مشترک و البته برداشت‌های معنایی متفاوت در این دو فیلم وجود داشت که لازم باشد در نوشته‌ای به تمایزها و شباهت‌های انگل و جوکر بپردازیم. به نظر من، انگل برتری‌های قابل توجهی نسبت به جوکر در پاسخ به نظم سرمایه‌داری و در نقد کاپیتالیسم دارد. در جوکر صورت برجسته‌ای از نظم ناعادالته را در نمی‌بینیم. مسأله تا حد زیادی شخصی است و فینیکس، مشخصا نقش یک آدم روان‌پریش با رفتارهایی ناهنجار را دارد. اختلالات جوکر، سازنده رفتار جوکر است. نمی‌توان جوکر را جدا از این اختلالات تحلیل کرد. مسأله مهم‌تر اینجاست که نمی‌توان این اختلال را خیلی مستقیم به ساختار مرتبط کرد. جایی البته خانم مشاور به او اطلاع می‌دهد دیگر امکان ادامه مشاوره ندارد و مشکلات اقتصادی عامل این اتفاق است. خیالی‌هایی جوکر بعد از این اتفاق و بعد از ضربه روحی که در افتتاحیه فیلم خورده است، بیشتر می‌شود. جالب آنکه فیلم از توماس وین (شهردار) به عنوان نمادی از حاکمیت هم اعلام برائت می‌کند و می‌فهمیم حداقل در باره شرایط او تورا، او آنچنان که در میانه فیلم مقرر جلوه داده شده، مقرر نیست. در انگل اما اختلاف طبقاتی

راه‌های مشترک جوکر و خانواده آقای تانگ

فرو دست شبیه پایین شهری

تانگ به عنوان شخصیت‌های اصلی «انگل» فقط در ماجرای نگاه طبقه مرفه به آنها به عنوان طبقه فرو دست مشترک نمی‌شود، بلکه مسأله اصلی هر دو فیلم خشم ناشی از این نگاه است؛ خشمی که «خشونت» تنها یکی از تبعات آن است و اتفاقا هر دو فیلم نیز دقیقا به این موضوع می‌پردازند که چگونه نگاه تحقیرآمیز ثروتمندان به طبقه فرو دست در نهایت منجر به عصبان این طبقه و شورش آنها علیه ثروتمندان می‌شود. تانگی که در نهایت طبقه فرو دست را تبدیل به هیولاهایی می‌کند که برای رسیدن به آنچه حق خود می‌دانند، حتی به سایر افراد هم طبقه خود نیز رحم نمی‌کنند. سکنس نزاع میان مرد اسیر شده در زیرزمین آقای «کیم» با پسر آقای تانگ را به خاطر بیابورید سکنسی خوین که نقطه اوج داستان «انگل» است و با حضور این مرد اسیر شده در جشن خانوادگی آقای «کیم» تبدیل به یکی از دلهره‌آورترین سکنس‌های تاریخ سینما می‌شود. نزاعی خوین میان مرد مجنون با اهالی خانه که «خشم» و «خشونت» و «عصیان» تنها چیزی است که در آن دیده می‌شود. همان ۳ کلمه‌ای که سازندگان هر دو فیلم «جوکر» و «انگل» به عنوان هشدار مهم در ارتباط با عواقب افزایش فاصله طبقاتی در پی ارائه آن به مخاطبان‌شان هستند. البته نباید از این نکته نیز غافل شد که سازندگان «جوکر» و «انگل» هر دو دقیقا به این نکته آگاه هستند که عواقب ورود طبقه مستضعف به فاز خشونت چیست و اتفاقا از نمایش آن نیز در اثر خود

احسان سالمی: نقد بی‌پروا و صریح اختلاف طبقاتی اصلی‌ترین نقطه اتصال «جوکر» و «انگل» است؛ چیزی که شاید در همان نگاه اول نیز به ذهن هر مخاطبی برسد اما مسأله اصلی نگاه تیزبین سازندگان هر دو اثر بر نمایش عمق تاثیرات منفی اختلاف طبقاتی و خشم حاصل از آن به جای پرداختن به شعارهای سطحی در این زمینه است. «انگل» همچون اینه‌ای شفاف عمق حقرات تحمیل شده از سوی طبقه مرفه به طبقه مستضعف را به نمایش می‌گذارد؛ آن هم در شرایطی که اتفاقا طبقه مستضعف از هوش و استعداد بالایی برخوردار است اما این فاصله طبقاتی ناشی از ثروت، باعث نگاه تحقیرآمیز طبقه بالاتر به فرو دست‌ها است. طبقه فرو دست در جست‌وجوی یک شغل ساده برای امرار معاش و برخورداری از حداقل‌های ممکن در زندگی و طبقه مرفه فارغ از دغدغه‌های معیشتی به دنبال برطرف کردن سایر نیازهای خود از جمله آسیب روحی فرزند کوچک خانواده، داشتن خدمتکاری منظم و... است. «جوکر» نیز برای از دست ندادن شغلی که پس از مدت‌ها پیدا کرده، حاضر به التماس به کارفرمایش است. بوتگ جون هو، کارگردان «انگل» درباره شباهت‌های «جوکر» و فیلم خودش گفته بود: باید بپذیریم «در عصر حاضر همه ما در یک کشور غول‌آسای کاپیتالیسم زندگی می‌کنیم». به پایین طبقه مرفه به طبقه فرو دست است. اما مسیر شخصیت «جوکر» و خانواده آقای

نگاهی کوتاه به چند سکنس خاص

تبدیل ایدئولوژی به محتوا از دریچه فرم

شهر فقط لامپ سرخ ازران اوبران است. خطوط هم این تفاوت طبقاتی را نشان می‌دهد. دوربین در بعضی لحظات از تراز خارج و شاتی هلندی و کج را خلق می‌کند تا پله‌ها و خیابان‌ها بیشتر فاصله طبقاتی را القا کنند. زاویه و ارتفاع دوربین هم بر اساس همین فاصله طبقاتی تعریف شده. در خانواده فقیر سطح نگاه است. نور این زیرزمین هم به عین همان نور خانه زیرزمینی جوینو شهر است! فیلمبردار و کارگردان بر سر این موتیف‌ها اتفاق نظر داشته‌اند. جواب هم داده!

داوود مرادیان: نگاه به فرم در فیلم «جوکر» و «انگل» آن هم در یک یادداشت کوتاه کار آسانی نیست، لذا به صورت اجمالی کمی از تاثیر نور و خطوط بر روایت این دو فیلم را مورد بررسی قرار می‌دهیم. «انگل» فرمی هجوگونه را برای روایت ۲ پرده نخست خود برمی‌گزیند. در عین حال لایه دوم فیلم که تاثیرات بصری آن است کار آماده کردن مخاطب برای نمایش یک فاجعه اجتماعی را بر عهده می‌گیرد. انگل فیلم «خطوط» است. خطوطی که عمود بر سر همه‌کس و همه چیز می‌خورد. از باران تا خطوط کج خیابان‌ها که با استفاده از شات‌های هلندی حس ریزش و فروریختگی را تداعی می‌کند. خطوط نور هم بنابراین همین نقش را بر عهده می‌گیرند. هرچه به جنوب شهر و زیر زمین نزدیک می‌شوید نور کمتری به چشم شما می‌تابد اما وقتی وارد خانه معروف قصه می‌شوید اولین تصویر نمای پس سری از پسری است که آمده در این خانه زبان آموزش دهد. لنز واید تصویر را روایت می‌کند. خط نور آفتاب چون شعله‌ای گرم به صورت قاب می‌زند و همه چیز

است. یک لذت ژرف که به رابطه عاشقانه هم ختم می‌شود. اما در جنوب شهر باران بر زمین می‌کوبد. تمام خانه را آبی با رنگی گرم و آزاردهنده بر می‌کند. انگار قطره قطره باران نورپردازی شده که همه این سیل غیرعاشقانه دیده می‌شود. باران این تم عاشقانه شمال شهر یک آنتاگونیست آزاردهنده در جنوب شهر است. پله‌ها نقش انتقال معانی درون کاراکترها را بر عهده دارد. اینجا پله‌ها نقش فاصله طبقاتی را و در جوکر عبور از خود و آنچه هستی به جامعه تحمیل می‌کند را بر عهده دارد.

در جوکر هم نور به همین شکل بازی می‌کند. رنگ‌های اطراف جوکر با نور محیطی گرم است و اطراف رنگ گرم سرمای کشنده جامعه. درون جوکر چیزی برای زیستن هست که درون طبقه فرو دست کره‌ای نیست. نیست تا وقتی که خنجر بلند می‌شود و بر سینه اشرف می‌نشیند. حالا رنگ هم در جوکر زنده است و جسد او هم در انگل. نور هم از بیرون زند خشم این افراد فرو دست لذت می‌برد.

معرفی فیلم‌های بخش نگاه نو «جشنواره سی‌وهشتم فیلم فجر»

شنای پروانه با لباس شخصی

نخستین فیلمی که در این باره خبر ساز شده جدیدترین ساخته محمدرضا لطفی با عنوان «ریست» در بخش نگاه نو جشنواره فیلم فجر است. محمدرضا لطفی پیش از این فیلم «روایت ناپدید شدن مریم» را ساخته که این اثر در سال ۹۳ در قالب گروه هنر و تجربه سینما اکران شد. شاید مسؤوولان جشنواره در پاسخ به چرایی حضور «ریست» در بخش نگاه نو عنوان کنند فیلم قبلی محمدرضا لطفی پروانه نمایش ویدئویی داشته است و منعی برای حضور این کارگردان در بخش نگاه نو جشنواره فیلم فجر وجود ندارد و «ریست» اولین فیلم بلند سینمایی‌اش محسوب می‌شود اما واقعیت این است که بر اساس تعریفی که فراخوان جشنواره از فیلم‌اولی‌ها منتشر کرده بود، حضور «ریست» در این بخش سوال‌برانگیز است، زیرا در بخشی از فراخوان جشنواره آمده:

«کارگردان اول، به هنرمندی اطلاق می‌شود که برای ساخت یا نمایش فیلم سینمایی خود برای نخستین بار، مجوزهای لازم و قانونی را از سازمان سینمایی کسب کرده باشد و پیش از این اثری از وی به عنوان فیلم سینمایی اکران و یا در رویدادهای داخلی یا خارجی معرفی نشده باشد». از آنجا که فیلم قبلی لطفی (روایت ناپدید شدن مریم) به اکران عمومی در آمده است، حضور لطفی در بخش نگاه نو جشنواره کاملا غیرقانونی است. اما فیلمساز دیگری که حضورش در بخش نگاه نو جشنواره فیلم فجر تامل‌برانگیز است، عباس امینی با فیلم «کشتارگاه» محسوب می‌شود. از مهم‌ترین آثار عباس امینی می‌توان به فیلم‌های «والدراما»، «قصه شب» و «از نفس افتاده‌ها» اشاره کرد و حتی از نظر جشنواره برلین هم «کشتارگاه» چهارمین فیلم امینی است، چون ۲ فیلم قبلی او تحت عنوان فیلم بلند سینمایی در این جشنواره نمایش داده شده و فیلم اولی‌ها عنوان فیلم سومش در فستیوال برلین معرفی شد اما در کمال تعجب، امینی با «کشتارگاه» به عنوان کارگردان فیلم‌اولی در جشنواره فجر حضور دارد.